

Research Article

Jafar Murtaza Ameli's Exegetical Personality (Characteristics, Principles and Method)¹

Habibollah Halimi Jلودار

Abstract

Seyyid Jafar Murtaza Ameli is a personality who is known more for his history and biography; however, there are exegetical monographs in his works that led the author to analyze his exegetical personality. For this purpose, by studying and examining his exegetical works such as: (Exegesis of Surah Al-Fatiha), (Surah Al-Kawthar), etc., it was concluded that in the subject of characteristics, he mentions matters such as purity of soul, refusal to seek sedition, and accurate and comprehensive knowledge of the surroundings and corners of the Holy Quran, and in his (exegetical method), he refers to matters such as attention to (the addressee of the Quran), (the multiple meanings of Quranic words and research into their origin), (the irreplaceability of Quranic words), (the semantics of Quranic words with the method of coexistence and substitution). He considers himself distinct from other commentators with two approaches; one is that he considers his method to be derived solely from the Infallibles (AS) and claims that he has used narrations that no other commentator has used for this purpose; secondly, he calls his interpretive method the (proposition-oriented detail-oriented) method and claims that he uses the (propositional inference) method, and what he means by propositional inference is that he identifies alternative hypotheses for interpreting a verse, then compares the characteristics of the analogies and the semantic characteristics in them, and then reaches the intended meaning of the verse. What can be understood from Ja'far Murtaza's method is that he has been completely committed to the interpretive principles of the Quran, such as the revelation of the Quran, the absence of distortion of the Quran, and so on.

Keywords: Feature, Fundamentals, Proposition-oriented Detail-oriented, Interpretation Method, Propositional Inference

How to Cite: Halimi Jلودار H., Jafar Murtaza Ameli's Exegetical Personality (Characteristics, Principles and Method), Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(61): 205-219.

1. This article was prepared with the support of the research credit of the University of Mazandaran. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

شخصیت شناسی تفسیری جعفر مرتضی عاملی (ویژگی، مبانی و روش)^۱

حبیب الله حلیمی جلودار

چکیده

سید جعفر مرتضی عاملی شخصیتی است که بیشتر به تاریخ و سیره معروف است؛ اما در آثار ایشان نک- نگاریهای تفسیری وجود دارد که موجب شد تا نگارنده، شخصیت تفسیری ایشان را مورد واکاوی قرار دهد. بدین منظور با مطالعه و بررسی آثار تفسیری ایشان مانند: (تفسیر سورة الفاتحه)، (سورة الکوثر)، و... این نتیجه حاصل شد که ایشان در موضوع ویژگیها، اموری چون پاکی نفس، امتناع از ابتغاء فتنه و آگاهی دقیق و همه جانبه از اطراف و اکناف قرآن کریم را ذکر می نمایند و در (روش تفسیری) خود، به مواردی چون توجه به (مخاطب شناسی قرآن)، (چند معنایی واژگان قرآن و تحقیق در خاستگاه آنها)، (جایگزین ناپذیر بودن واژگان قرآنی)، (معناشناسی واژگان قرآنی با روش هم نشینی و جانشینی)، اشاره دارند. ایشان خود را با دو رویکرد، از دیگر مفسران، متمایز می شمارند؛ یکی آنکه روش خود را صرفاً برگرفته از معصومین (ع) می دانند و براین ادعا هستند که برای این کار از روایاتی بهره برده که مفسر دیگری از آنها بهره نبرده است؛ دوم اینکه ایشان روش تفسیری خود را روش (جزئی نگر گزاره محور) می نامند و ادعا دارند که از روش (استنتاج گزاره ای) بهره می برند و منظورشان از استنتاج گزاره ای این است که فرضیه های جایگزین برای تفسیر یک آیه را مشخص می کنند سپس خصوصیات موجود در هماندها و ویژگی های معنایی موجود در آنها را با هم مقایسه می نمایند، بعد از آن، به معنای مورد نظر آیه دست می یابند. آنچه از روش جعفر مرتضی برمی آید اینکه ایشان بر مبانی تفسیری قرآن مانند وحیانی بودن قرآن، عدم تحریف قرآن و... کاملاً پایبند بوده است.

واژگان کلیدی: ویژگی، مبانی، جزئی نگر گزاره محور، روش تفسیر، استنتاج گزاره ای

۱. این مقاله با پشتیبانی اعتبار پژوهشی دانشگاه مازندران از طرح، تدوین شد.

دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مقدمه و بیان مسئله

سید جعفر مرتضی عاملی - متولد ۲۵ صفر ۱۳۶۴ قمری و درگذشته در ۲۷ صفر ۱۴۴۱ قمری - عالم دینی، متخصص در تاریخ اسلام و تاریخ تشیع، سیره نگار شیعی و از عالمان حوزه علمیه قم و لبنان بودند. ایشان هر چند که معروف به یک شخصیت تفسیری نیستند و بیشتر به عالم سیره و تاریخ شناخته شده‌اند ولیکن در بین حدود ۹۰ اثری که از ایشان به جا مانده است، کتب تفسیری با عناوین (تفسیر سورة الفاتحه)، (تفسیر سورة الضحی)، (تفسیر سورة الكوثر)، (تفسیر سورة ألم نشرح)، (تفسیر سورة الماعون)، (تفسیر سورة الناس)، (تفسیر سورة هل أتی)، (إسرائيل، فی آیات سورة بنی اسرائیل، تفسیر ثمان آیات)، (أهل البيت (عليهم السلام) فی آیه التطهیر) و... پیرامون تفسیر قرآن کریم می- باشند. کتابی نیز دارند با عنوان (حقائق هامة حول القرآن الکریم) که در آن به بحث‌های علوم قرآنی پرداخته‌اند. لذا می‌توان با توجه به آثار ذکر شده، شخصیت تفسیری ایشان را برای فهم مبانی، ویژگی‌ها و روش تفسیری، بررسی نمود که براساس ادعای خودشان، برگرفته از روایات ائمه هدی (ع) است.

پیشینه تحقیق

براساس بررسی‌های به عمل آمده، جز کتاب‌های تفسیری مذکور، اثر دیگری در باره ایشان یا در باره مبانی و روش تفسیری ایشان به دست نیامده است؛ لذا موضوع مورد نظر قابلیت تحقیق و پژوهش دارد.

ملاحظات نظری

مبانی

شاگرد معتقد است که مبانی تفسیر قرآن، اموری چون اصول موضوعه، پیش‌فرض‌ها و باورهای اعتقادی و علمی هستند که مفسر با قبول و مبنا قرار دادن آنها، تفسیر را انجام می‌دهد. مبانی، به صدوری و دلالتی تقسیم می‌شود. (شاگرد، ۱۳۸۲: ۴۰)

روش و روش تفسیر

روش در زبان عربی با لفظ (منهج) شناخته می‌شود و روش یا منهج در تفسیر، شیوه روشن و منظمی است که مفسر جهت آشکار شدن و به دست آوردن معانی قرآن کریم مطابق با فرایند فکری درست، آن را طی می‌کند. (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۲۷-۲۶)

برخی هم می‌گویند که مقصود از روش تفسیری، مستند و یا مستنداتی است که مفسران در فهم و تفسیر آیات قرآن از آنها بهره گرفته‌اند که از آن می‌توان به (منهج تفسیری) نیز تعبیر کرد. آن مستند، یا نقل است یا عقل. به تفسیرهایی که با استناد نقل به فهم و درک معانی آیات پرداخته می‌شود، (تفسیر به مأثور) گویند و روش تفسیری آنها را (تفسیر اثری) نامند. اما تفسیرهایی که با استناد عقل و مدرکات

حوزه اندیشه و تدبیر، فراهم آمده‌اند، (تفسیرهای اجتهادی) گویند و روش تفسیری آنها را (تفسیر عقلی) نامند. (مؤدب، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

برخی نیز منابع تفسیر را در نظر مفسران، متفاوت می‌دانند که عده‌ای تنها منبع معتبر را در تفسیر، روایات پیامبر (ص) می‌شناسند و عده‌ای بر این باورند که در تفسیر باید تنها بر قرآن و روایات تکیه کرد؛ دیگری برای عقل در کنار قرآن و روایات نقشی به سزا قایل است و دیگری هم هستند که قرآن را سراسر رمز دانسته، کشف و شهود را تنها کلید گشایش این رمز می‌پندارد و... (شاکر، ۱۳۸۲: ش: ۴۶)

جعفر مرتضی‌عاملی^۱

جعفر مرتضی‌عاملی که در لبنان متولد و بزرگ شده بودند، در نجف، تحصیلات خود را تکمیل نمودند و در سال ۱۳۸۸ق به قم مهاجرت کردند. از فعالیت‌های پژوهشی مهم عاملی در قم در زمینه‌های مختلف تاریخ و عقاید شیعه است و همچنین با دفاع از تئوری انقلاب اسلامی، به حمایت و تربیت طلاب لبنانی نیز پرداختند.

وی بعد از ربع قرن زندگی در قم، مهاجرت به وطن خود (لبنان)، به تلاش‌های علمی، پژوهشی و تربیتی خود را در جنوب لبنان ادامه داده است و علاوه بر جلسه‌های آموزشی برای جوانان شیعه کشورش، به ایجاد مرکز تحقیقاتی در بیروت تلاش‌های زیادی انجام داده است و توانسته است گروهی از فعالان مذهبی را تشکیل دهد و توانسته است که در لبنان، حوزه علمیه تشکیل دهد و همچنین در پاسخگویی به شبهات اعتقادی و دفاع از امامت و ولایت تلاش‌های زیادی انجام داده است.

ایشان در سن ۷۷ سالگی در ۲۷ صفر ۱۴۴۱ (۴ آبان ۱۳۹۸)، پس از حدود ۳۰ روز بستری بودن در بیمارستان رسول اعظم (ص) بیروت در گذشت و در زادگاهش در عیتا الجبل به خاک سپرده شد.

ویژگی‌های تفسیری جعفر مرتضی

جعفر مرتضی‌عاملی تأکید دارند که بدون شک، (پاکی از گناهان) به فهم قرآن کمک شایانی می‌کند.^۲ یعنی انسان در هر طبقه از طبقات فکری که باشد باید برای فهم عجائب قرآن و تأثر از انذارهای قرآن، صفای باطن را مهیا نماید. این امر می‌تواند همان علم الموهبه باشد که مرحوم علامه طباطبایی نیز بدان اشاره داشتند.^۳

۱. برگرفته از <http://www.nt-ameli.com> دفتر انتشارات آثار جعفر مرتضی‌عاملی.

۲. قرآن کریم بر این امر تأکید دارد که «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/ ۷۹)

۳. مفسر باید با علوم زیادی آشنایی داشته باشد تا بتواند قرآن را تفسیر نماید (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۱۸۰) که مهم‌ترین آنها ادبیات، لغت، کتاب و سنت و... تا پانزده علم از جمله علم الموهبه^۳ است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/ ۷۷)

ایشان برای تأیید و تأکید منظر خود، دعای ختم قرآن از امام سجاد (ع) را انتخاب نموده است: (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۷-۱۶)

(بار خدایا، قرآن را در تاریکی شب مونس ما گردان و در برابر کشش‌ها و گرایش‌های شیطان و خاطرات وسوسه انگیز، نگهبان ما قرار ده و چنان کن که قرآن پاهای ما را از سپردن در راه معاصی باز دارد و زبان را از گفتن سخن باطل - بی هیچ آفتی که زبان را رسیده باشد - لال گرداند و اعضاء و جوارح ما را از ارتکاب گناهان مانع آید و طومار عبرت‌ها را که به دست غفلت پیچیده شده پیش روی ما بگشاید، تا فهم و درک عجایب قرآن و مثل‌ها و قصه‌های هشدار دهنده آن به دل‌های ما راه یابد.) (صحیفه سجّادیه، ۱۷۸)

جعفر مرتضی عاملی بر ویژگی (سلامت قلبی و امتناع از ابتغاء فتنه) که برگرفته از فرمایشات معصوم (ع) است نیز تأکید می‌نمایند. ایشان در اینجا از روایتی بهره می‌برد که مفهومی همان پیام آیه ۷ سوره آل عمران است که تأکید می‌کند: انسان‌هایی هستند که قلبشان میل به باطل دارد و برای فتنه‌جویی به دنبال تأویل متشابهات هستند در حالی که تأویل آنها را جز راسخون در علم نمی‌دانند.^۱

ایشان می‌گویند: از امام صادق (ع) روایتی وجود دارد که در آن ضمن یادآوری اصول و شرایط تفسیر، انسان‌های متجاوز را سرزنش کرده است. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۷)

ایشان می‌گویند: روایت بسیار مهمی از امام صادق (ع) در مورد فتنه جویان و فتنه جویی وجود دارد که یکی از بندهای آن عبارتند:

این، بدین سبب است که آنان بعضی از آیات قرآن را به بعضی دیگر درآمیختند و به منسوخ استدلال کردند، به گمان اینکه ناسخ است و به متشابه، به این باور که محکم است. به خاص استدلال کردند، به گمان اینکه عام است. با نادیده گرفتن سبب تأویل آن، به اول آیه استدلال کردند و موارد و مصادر کلام را نشناختند و به نقطه آغاز و انجام کلام نگاه نینداختند؛ زیرا آن را از اهلش نیاموختند؛ در نتیجه، گمراه شدند و به گمراهی کشانند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۹/۱، مجلسی، ۱۴۰۳: ۳/۹۰)

ویژگی مهم دیگر در شخصیت جعفر مرتضی - که شخصیت تفسیری ایشان را به صورت برجسته می‌نمایند و از تفسیر به رأی پیشگیری می‌کند - این است که تواضع در محضر علم به صورت عام و در محضر قرآن به صورت خاص را مد نظر دارند و آنچه که از طریق موارد پیش گفته بدان دست می‌یابد را در حد اندک می‌دانند. ایشان در ابتدای تفسیر سوره کوثر ضمن نقل مجدد روایت امام صادق و امام

۱. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»

حسین (علیهما السلام)^۱ می‌نویسند: ما مدّعی نیستیم که در این تلاش، موفق به شناخت و معرفت حثّی آنچه که (عبارت) در صدد آن است (که آن در حد عوام است) شده باشیم چه رسد به رسیدن به مراتب بعدی (حقایق) که در حد انبیاء است. همچنین باید اعتراف کنم - و چه اعتراف شرافتمندانه‌ای - ناتوانی خود را در تعیین دقیق مؤلفه‌ها و مرزهای معانی قرآنی و سپس - با افتخار - ناتوانی خود را در درک یا بهتر بگویم در تشخیص همه رشته‌هایی که معانی را به هم پیوند می‌دهند، تصدیق نمایم. چگونه چنین نباشد، وقتی خودمان را در برابر دریای عمیقی می‌یابیم که عجایبش نابود نمی‌شود و شگفتی - هایش تمام نمی‌شود و علمای آن هرگز از آن سیراب نمی‌شوند. (عاملی، ۱۴۱۹ الف: ۸-۷)

در طلّیعه تفسیر ماعون نیز ایشان بر عجز و ناتوانی خود در دستیابی به معانی قرآن و درک اهداف آن اشاره و تأکید می‌کنند که خداوند به من توفیق داده است که فضای تفسیری پیرامون آیات سورۀ مبارکه (الماعون) ایجاد کنم. شاید برادران عزیزم که این اشارات و افکار را در جلساتی به نام جلسات تفسیر با آنها در میان گذاشته‌ام، متوجه شوند که این جلسات می‌تواند حدود تقریبی از نشانه‌های شبه معنایی که در آسمان همواره می‌درخشند، ترسیم کند، آسمان رفعت و بلندی که اذهان غرق در قصور و ناتوانی ما، یارای درک آن معانی نیست. (عاملی، ۱۴۱۹ ب: ۹ و ۱۰)

در نگاه جعفر مرتضی یکی از مهمترین ویژگی‌ها برای مفسر علاوه بر موارد فوق، آگاهی دقیق و همه جانبه با علوم است که ارتباط مستقیم با قرآن کریم دارد لذا با شدّت خاصی تأکید می‌کند که چنانچه فردی از قرآن مجید، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، اسباب نزول، حق و باطل، واجب و مستحب و... نداند به قرآن آگاه نیست و اگر فردی مدعی شناخت این اقسام شود، دروغگو و اهل افتراء و تهمت بر خدا و پیامبرش است و منزلگاه او جهنم خواهد بود که بد سرانجامی است. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۸)

مبنای تفسیری جعفر مرتضی‌عاملی

جعفر مرتضی عاملی امر (تحدی و مبارزه طلبی) خداوند در قرآن را که در برابر منکران و حیانی و قدسی بودن قرآن است یکی از مؤلفه‌های مهم در تفسیر قرآن کریم می‌دانند؛ ایشان ذیل تفسیر سورۀ کوثر تأکید می‌کنند که سیری آگاهانه در آفاق این سوره - سورۀ کوثر - به هر انسان منصف و متفکری این پیام را می‌دهد که آن - علی‌رغم کوچک بودن - نمونه‌ای از معجزه و چالش الهی است که انسان آگاه را مکلف می‌کند تا در عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین حالات یقینی خود به سر بُرد. خداوند متعال همه امت‌ها را تا روز قیامت به چالش و مبارزه طلبید و فرمود: (فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ) (بقره/۲۳) یک سوره مثل آن بیاورید حتی به اندازه سورۀ کوثر که در سه آیه کوچک نازل شده و بالغ بر ۱۰ کلمه نیست.

۱. «ان کتاب الله على أربعة أشياء: على العبارة، و الإشارة، و اللطائف، و الحقائق. فالعبارة للعوام، و الإشارة للخواص، و اللطائف للأولياء، و الحقائق للأنبياء»

ایشان در ادامه می‌گوید: در اینجا به نکته جالب توجهی اشاره می‌کنم و آن اینکه خداوند سبحان بشر را به چالش و مبارزه طلبید که (مانند این قرآن) بیاورند سپس فرمود اگر نمی‌توانید (مثل آن) را بیاورید لا اقل (۱۰ سوره) همانند آن بیاورید و اگر باز هم نمی‌توانید، (یک سوره) همانند آن بیاورید هر چند که آن سوره، سه آیه داشته باشد؛ اما در این چالش نتوانستند آیاتی همانند آن بیاورند هر چند به اندازه آیات سوره مبارکه کوثر باشد.

ایشان در نقش تَخْدی بر تفسیر قرآن و تعلیل ناتوانی بشر معتقد است که شاید دلیل آن، این باشد که این سوره باید دارای معنایی اساسی باشد که در نظام حقایق الهی، جایگاه حساسی دارد که هماهنگ با واقعیت حیات، آفرینش و قانون‌گذاری است. اما یک یا چند آیه - با همه معجزات قاطعی که در مقام چالش و مبارزه طلبی دارد - شاید به تنهایی متضمن بیان همه عناصری نباشد که در یک سوره آمده است، هر چند که آن، بزرگترین آیه در قرآن کریم مثل آیه الکرسی باشد؛ با اینکه بر این باوریم که یک آیه ممکن است مؤلفه‌های اعجاز را در خود جمع کرده باشد مثل آیه الکرسی یا آیات دیگر، اما گاهی باید به یک یا چند آیه پیوند تا از قِبَل این پیوند، عناصر اعجاز کامل شود همانند این فرموده خداوند متعال (مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ) (صافات/۲۵) یا (مُذْهَبًا مِّنَ) (الرحمن/۶۴) این دو آیه همچون آیه الکرسی یا مثل آیه نور نیستند. بنابراین نمی‌توان با یک یا چند آیه - به دلیل عدم پیوند معنایی که بدان اشاره کردیم - به مبارزه طلبی یا چالش دعوت کرد، اما به هر حال در سوره، اعجاز وجود دارد حتی اگر به اندازه سوره کوثر باشد. بنابراین به چالش طلبیدن با آن، در همه شرایط و همیشه ممکن و شدنی است. (عاملی، ۱۴۱۹ الف: ۱۱-۹)

روش تفسیری جعفر مرتضی عاملی

جعفر مرتضی عاملی بر این باور بودند که در روش تفسیری خود برخلاف عرف، عمل نموده و علیه آنچه شناخته شده بود عصیان کرده‌اند، لذا تأکید دارند که در باره روش تفسیری خویش چیزی از جانب خود ننوشتند و فقط چند روایت از اهل بیت معصومین (ع) ذکر نمودند که آن روایات، روش تفسیری ایشان را توضیح و تبیین می‌کنند. ایشان بر این امر تأکید دارند که آنچه تمایل‌شان را بر این طریق بیشتر کرد این است که علی‌رغم اهمیت بالای این روایات، هیچیک از مفسران سعی نکردند توجه خود را به این روایات معطوف دارند. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۳)

آنچه تأکید و لحاظ آن ضروری می‌نماید این است که براساس بررسی‌های به عمل آمده، (روش تفسیر قرآن) در نگاه علامه جعفر مرتضی عاملی (چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن) (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۲) است.

از آنجا که جعفر مرتضی‌عاملی با نقل روایاتی به تبیین (روش تفسیری) خود می‌پردازد و عنوانی برای هر یک از انتخاب‌های خویش ندارند لذا نگارنده براساس انتخاب ایشان از روایات، عناوینی را برای روش تفسیر انتخاب شده از جانب ایشان، بر ساخته است:

مخاطب‌شناسی قرآن

جعفر مرتضی‌عاملی را از امام صادق و نیز از امام حسین علیهما السلام نقل می‌کنند که فرمودند: ^۱ کتاب خداوند بر چهار چیز است: عبارت [ظاهر]، اشارت، لطایف و حقایق. عبارت برای عامه مردم است، اشارت برای خواص، لطایف برای اولیاء و حقایق برای انبیا.

منظور جعفر مرتضی‌عاملی از انتخاب این روایت این است که به فرمایش امام علی (ع)، قرآن کریم ظرفیتی است که هرکس به اندازه توان علمی و شخصیتی خود - با رعایت قواعد مربوط - می‌تواند آن را به سخن در آورد و از آن بهره‌مند شود. ^۲ لذا این روایت هم بر دو مراتب و دو بطون بودن مفاهیم بلند قرآن اشاره دارد، هم به تفسیر پذیر بودن قرآن و هم به جهان شمولی (زمان شمولی و مکان شمولی) آن. به عبارت دیگر منظور مرتضی‌عاملی از انتخاب این روایت این است که معصوم (ع) تأکید دارند که در تفسیر قرآن، انحصار قائل شدن، کار نادرستی است چه انحصار در زمان و مکان استفاده از قرآن و چه انحصار در طبقه فکری و اندازه فهم و درک مردم؛ زیرا مردم با هر اندازه از فهم و شعور و در هر زمان و مکان که باشند می‌توانند از قرآن بهره‌مند شوند. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۳)

چند معنایی واژگان قرآن و تحقیق در خاستگاه آنها

جعفر مرتضی تأکید دارند که اهل بیت (ع) تصریح کرده‌اند که مفسر باید به دنبال معنای واژگان و ساختارهایی باشد که در میان مردم قبایل مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد تا وجه اشتراک آنها را پیدا نماید که از طریق آن، همگان بتوانند به مقصود خداوند در قرآن پی ببرند؛ زیرا اکتفا کردن به زبان یک گروه یا قبیله مشخص، شاید بی‌فایده باشد و گاهی باعث دور شدن از معنا و مقصود واقعی شود.

ایشان در اینجا مثالی ذکر می‌کنند که شخصی از امام سجاد (ع) پرسیدند: ای پسر رسول خدا، خداوند چگونه این ستمکاران را بر کارهای زشتی که گذشتگان آنها مرتکب شدند، مجازات و سرزنش می‌کند؟ امام فرمودند: (وَلَا تَرَوْا وَزْرَهُ وَزَرَ أُخْرَى) (انعام/۱۶۴) هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نکشد.

۱. إِنْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللَّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ (محمد بن مکی، ۱۳۷۹ ش: ۳۰؛ ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق: ۴/۱۰۵)

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷. «فَجَاءَهُمْ بِتَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَالتَّوْرِ الْمُفْتَنَدِي بِهِ ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» "پس او (رسول خدا ص) کتابی که تصدیق‌کننده حقایق کتب آسمانی بود و نوری که باید از آن پیروی شود برای مردم آورد، آن نور، قرآن است، آن را به سخن آرید."

امام سجاد (ع) ادامه دادند که قرآن به زبان عربی نازل شده است، از این رو در آن، با اهل آن زبان به زبان خودشان سخن می‌گوید. مثلاً یک مرد از قبیله تمیم که قومش بر شهری حمله کرده و مردمان آن شهر را کشته باشند می‌گوید: شما فلان شهر را به تاراج بردید و چنین و چنان کردید....

نیز در عرب مرسوم است که وقتی می‌گوید ما با قبیله فلان چنین کردیم و آل فلان را به اسارت گرفتیم و فلان شهر را خراب نمودیم منظور آنان این نیست که خودشان شخصاً این اعمال را انجام داده باشند بلکه منظورشان یا در جهت نکوهش دیگران است یا اینکه به قبیله خود افتخار می‌نمایند که قوم آنها چنین و چنان کرده است.

لذا وقتی قرآن، طبق این لغت و اصطلاح، نازل شده است منظور خدا در این آیه هم این خواهد بود که گذشتگان آنان را مورد توبیخ و خودشان را در معرض نکوهش قرار داده باشند! زیرا نسل آنان به رفتار آباء و اجداد خود راضی هستند و اعمال ایشان را تصویب می‌نمایند. پس جایز است که به ایشان گفته شود: (شما این اعمال را انجام داده‌اید زیرا شما به رفتار زشت آنان راضی هستید.) (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۱۲/۲-۳۱۳)

جعفر مرتضی با برداشت از فرمایش امام صادق (ع)، تأکید می‌کنند که امام (ع) بر این اعتقاد است که قرآن کریم به روش این ضرب المثل عربی نازل شده که (نَزَلَ الْقُرْآنُ بِأَيِّكَ أَغْنِي وَ أَسْمَعِي يَا جَارَةَ) (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۱/۲) به تو می‌گویم ولی ای همسایه تو گوش بده^۱ این روشی که که جعفر مرتضی از فرمایش معصوم (ع) دریافت داشته است استفاده از کنایه و استعاره است. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۴-۱۳)

جایگزین ناپذیر بودن واژگان قرآنی

ایشان به این نکته اشاره دارند که هر لفظ در هر جایی که استفاده شده به درستی انتخاب شده است لذا بر این اعتقاد بودند که امامان معصوم (علیهم‌السلام) به (لزوم شناخت ویژگی‌های هر لفظ و راز انتخاب آن در یک موقعیت، به جای لفظ دیگر) تأکید دارند؛ لذا جعفر مرتضی بر این باور بودند که واژگان در عبارات قرآنی، بجا و درست انتخاب شده‌اند.

ایشان برای تأیید سخن بالا اینطور ادامه می‌دهند که در روایت آمده که وقتی آیه (إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ)^۲ (انبیاء/۹۸) نازل شد، ابن الزبیری گفت: پس ما فرشتگان را می‌پرستیم، یهودیان عزیر را می‌پرستند و مسیحیان حضرت عیسی (ع) را می‌پرستند. وقتی این تفسیر به گوش

۱. در فارسی به جای این مثل عربی گفته می‌شود: به در می‌گویند تا دیوار بشنود.

۲. در حقیقت، شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم دوزخید. شما در آن وارد خواهید شد.

پیامبر (ص) رسید آن حضرت فرمودند: شگفتا، مگر نمی‌دانست که ما برای غیر عاقل و من برای عاقل به کار می‌رود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸ / ۲۰۰)

هنگامی که یک نفر از امام صادق - یا امام باقر - (علیهما السلام) در خصوص مسح در وضو سؤال کردند که از کجا بدانم که مسح، بر جزئی از سر یا جزئی از پاست؟ امام (ع) فرمودند: با توجه به جایگاه حرف باء، یعنی در فرموده خداوند متعال (وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَزْجُلُكُمْ إِلَى الْكُعْبَيْنِ) (مائده/۶) حرف باء به معنای (بخشی) از هر چیز است لذا آیه یعنی و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۲۹۹؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۰، ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳: ۱/۱۰۳) لذا جعفر مرتضی بر این نکته تأکید دارند که حرف باء با دقتی انتخاب شده است که هیچ حرف دیگری این نقش را در اینجا نمی‌تواند ایفاء نماید. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۶)

آشنایی با زبان عربی و شعر و نثر آن

جعفر مرتضی‌عاملی آنگاه که تفسیر سورة حمد را آغاز می‌نماید بعد از نقل روایاتی در طلیعه آن، اولین کلامی را که مطرح می‌کند فلسفه توجّه به زبان عربی است؛ ایشان تأکید دارند که مرور کتاب‌های زبان عربی گاهی برای این است که با چگونگی کاربرد واژه‌ها یا ساختارها آگاهی یابیم و از این طریق با افق‌های معنایی و حدود و اشارات و نشانه‌ها و مکاشفات آن آشنا شویم؛ زیرا این کار برای رسیدن به معانی قرآن و تعیین معنای واژگان و ساختارهای آن، بسیار مهم است. بنابراین، در کنار لزوم توجه به کاربردهای قرآنی و دسترسی کامل به رویکردها و اشکال کاربرد واژگان یا ترکیب مورد نظر با هدف کشف حدود و ثغور یا حتی مزایا و حالت‌های رویکرد خاص قرآنی، اشراف بر کاربردهای آنها در زبان عربی نیز ضرورت دارد، زیرا گاهی این کاربردها از نظر اهداف و اغراض با کاربردهای معروف و رایج متفاوت است. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۹)

معناشناسی واژگان قرآنی با روش هم‌نشینی و جانشینی

شاید گمان شود که توجّه به کشف معانی واژگان قرآنی به روش هم‌نشینی و جانشینی از مدعیات دهه اخیر باشد در حالی که در تفسیر جعفر مرتضی‌عاملی که به تصریح ایشان در جمادی الاولی سال ۱۴۱۹ هجری قمری - بیش از ۳۵ سال پیش - انجام شد^۱ به این امر مهم تأکید و توجّه شده است. ایشان در روش تفسیری خویش اشاره دارند که ما سعی کرده‌ایم بین جایگزین‌هایی که می‌توان پیشنهاد داد یا به آنها متوسل شد مقایسه‌هایی انجام داد و سپس تفاوت‌های موجود بین کلمه انتخاب شده و کلمه دیگری که قرار است جایگزین باشد را تشخیص داد.

۱. جعفر مرتضی‌عاملی، تفسیر سورة ماعون، ص ۹.

در ادامه می‌نویسند که ما از این طریق به این درک رسیدیم که روش هم نشینی و جانشینی، در وضوح، تشخیص و تمایز معانی واژگان قرآنی به زیبایی کمک می‌نماید، به طوری که به کشف ویژگی‌هایی می‌انجامد که بر معنای مدلول و شناخت حدود و افق‌های آن تأثیر می‌گذارد و حتی ممکن است به تعیین منشأ و اهداف آن کمک نماید. ایشان تأکید دارند که معناشناسی واژگان قرآنی از طریق هم نشینی و جانشینی زمانی است که از طریق مکاشفات و دلالت‌های گوناگون در فرهنگ‌های لغت زبان عربی و علوم رایج دیگر، آن واژه تشریح نشده و به تولید معانی جدید کمک نکرده باشد. (عاملی، ۱۴۲۰: ۱۹-۲۰)

توجه به یکپارچه بودن آیات و سُور در تفسیر (سیاق)

جعفر مرتضی وقتی به تفسیر سورة حمد مبادرت می‌ورزند به این امر تأکید دارند که برای فهم یک آیه باید از ابتدا تا انتهای تفسیر مربوط به یک سوره مثل سورة فاتحه را دنبال کرد؛ زیرا این سورة مبارکه یک کل تفکیک ناپذیری است که انتهای آن به فهم ابتدای آن و ابتدای آن به فهم و درک حقیقت مقصود انتهای آن کمک می‌نماید. این امر، همان توجه به سیاق است که برای کشف اهداف سُور، مفید است. در ادامه، سورة حمد را اینطور توصیف می‌کند که این سوره تمام ویژگی‌های زندگی انسان را در تمام ابعاد و جوانب آن، از ابتدا تا انتها مشخص کرده است و به شکل مختصر و مفید به همه برنامه‌های الهی در هدایت این انسان اشاره داشته تا نقش خود را به کامل‌ترین، بهینه‌ترین و بهترین شکل در این دنیا، ایفا نماید. (عاملی، ۱۴۲۰: ۲۰)

تفسیر جزئی با تکیه بر روش گزاره محور

جعفر مرتضی عاملی در ابتدای تفسیر سورة هل اتی (انسان) بر روش تفسیری (جزئی نگر گزاره محور) تأکید دارند. ایشان روش (جزئی نگر گزاره محور) را اینگونه توضیح می‌دهند:

ما علاوه بر تلاش خود برای استخراج معانی زیربنایی با استفاده از روش استنتاج گزاره‌ای، روش تفسیر جزئی را اتخاذ می‌کنیم و سپس سعی در مقایسه با نظرات دیگران و استنتاج از آنها می‌نماییم. منظور ما از استنتاج گزاره‌ای این است که پس از فرضیه‌های جایگزین برای تفسیر آیه، خصوصیات موجود در بدیل‌ها و ویژگی‌های معنای موجود را با هم مقایسه کنیم تا سپس جنبه‌هایی از معنا که باعث انتخاب آن می‌شود را کشف نماییم که آن معنا - در نظر ما - یقینی و اجتناب ناپذیر باشد.

ایشان برای اینکه تمایز تفسیر به روش مذکور با روش (تفسیر موضوعی) مشخص باشد تصریح دارند که (تفسیر موضوعی) را اتخاذ نکردند، زیرا معتقد بودند که (تفسیر موضوعی)، روشی عجولانه است، در حالی که روش ایشان یعنی روش (جزئی نگر گزاره محور) به دنبال وضوح معانی، استخراج و جمع

آوری آن‌ها، سپس مقایسه بین آنها است تا بتواند قواعد کلی و جامعی را به شیوه‌ای درست و پایدار از آنها استخراج نماید.

سپس تأکید دارند: (پُر واضح است که پریدن از این روش به روش تفسیر موضوعی تنها یک جرأت-ورزی غیرمنطقی و چیزی بیش از یک روش غیرموجه نیست؛ زیرا مفسر با انتخاب این روش، از حداقل سطح اطمینان برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب، محروم می‌شود جز اینکه مفسر را بین معانی ارتکازی (معانی نزدیکی که بر سر زبان مردم می‌افتد)، با آن معانی که تا حد زیادی روشن و بدیهی است، مردد نگاه دارد. (عاملی، ۱۴۲۴: ۵-۶)

فرایند تفسیر در روش تفسیری جعفر مرتضی

روش ایشان در امر تفسیر با توجه به سوره‌های مختلف، متفاوت است؛ اما بر یک سیر مشخص، استوار هستند؛ ایشان اینطور تفسیر می‌کنند که ابتدا علت نامگذاری سوره را مطرح و سپس فضیلت قرائت سوره را تشریح می‌نمایند و بعد، به اسباب نزول آن سوره یا برخی آیات سوره، می‌پردازند و در ادامه درباره مکی و مدنی بودن سوره و آیات آن بحث می‌کنند؛ در انتها با توجه به مباحثی که در بالا از قلم ایشان، بدان اشاره رفت آیات سوره مورد نظر را تفسیر می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

سید جعفر مرتضی‌عاملی که به تاریخ و سیره نگاری معروفند در میان آثار ایشان، تک نگاری‌های تفسیری به مانند (تفسیر سوره الفاتحه)، (تفسیر سوره الضحی)، (تفسیر سوره الکوثر)، (تفسیر سوره ألم نشرح)، (تفسیر سوره الماعون)، (تفسیر سوره الناس)، (تفسیر سوره هل أتی) و... خیره کننده است. براساس مطالعات انجام شده، در مقاله حاضر، با اشاره به ویژگی‌هایی چون پاکی نفس، امتناع از ابتغاء فتنه و آگاهی دقیق و همه جانبه از اطراف و اکناف قرآن کریم و با تشریح مبانی تفسیری سید جعفر مرتضی‌عاملی که برای اثبات وحیانی و قدسی بودن قرآن کریم بر (تحدی و مبارزه طلبی) آن تأکید داشتند به روش تفسیری ایشان پرداخته شد. جعفر مرتضی در (روش تفسیری) خود، به مواردی چون توجه به (مخاطب شناسی قرآن)، (چند معنایی واژگان قرآن و تحقیق در خاستگاه آنها)، (جایگزین ناپذیر بودن واژگان قرآنی)، (معناشناسی واژگان قرآنی با روش هم نشینی و جانشینی)، و... پرداخته‌اند. ضمناً ایشان، خودشان را از دو منظر نسبت با دیگر مفسران متمایز می‌دانند؛ یکی اینکه ایشان براین ادعا هستند که همه موارد از جمله روش‌های تفسیری خود را صرفاً از معصومین (ع) گرفته‌اند و به نگاه ایشان این امر، سابقه نداشته است و دیگر اینکه ایشان تفسیر به روش (جزئی نگر گزاره محور) را برگزیده‌اند که در این روش فرضیه‌های

جایگزین برای تفسیر یک آیه را مشخص می‌کنند و با مقایسه خصوصیات موجود در همانندها و ویژگی‌های معنایی موجود در آنها، به معنای مورد نظر آیه دست می‌یابند. آنچه از ویژگی‌ها، مبانی و روش‌های مأخوذه از جعفر مرتضی برمی‌آید اینکه ایشان بر مبانی تفسیری قرآن مانند جاودانگی دعوت قرآن، وحيانی بودن الفاظ و معانی قرآن، مصونیت قرآن از تحریف، امکان و جواز فهم و تفسیر قرآن، همگانی بودن دعوت قرآن، برخورداری قرآن از سطوح و لایه‌های متعدد معنایی، روا بودن اجتهاد در تفسیر قرآن، تناسب میان آیات و سوره‌های قرآن و... کاملاً پایبند هستند.

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۷۳ش)، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چ ۲.
- نهج البلاغة، (۱۴۱۴ق)، تحقیق: صالح، صبحی، قم: هجرت، چ ۱.
- صحيفة سجادية، (۱۳۷۶ش)، علی بن الحسین علیه السلام، قم: دفتر نشر الهادی، مکان چاپ: قم، چ ۱.
- ابن أبي جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ق)، عوالي اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، چ ۱.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲.
- رضائی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۲ش)، درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شاکر، محمد کاظم، (۱۳۸۲ش)، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چ ۲.
- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
- فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تحقیق: اعلمی، حسین، تهران: مکتبه الصدر، چ ۲.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۹ق: الف)، تفسیر سورة الکون، بیروت: المركز الاسلامي للدراسات، چ ۱.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۱۹ق: ب)، تفسیر سورة الماعون، بیروت: المركز الاسلامي للدراسات، چ ۱.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۲۰ق)، تفسیر سورة الفاتحة، بیروت: المركز الاسلامي للدراسات، چ ۱.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۲۴ق)، تفسیر سورة هل آتی، بیروت: المركز الاسلامي للدراسات، چ ۱.
- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۱ش)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، چ ۱.
- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، چ ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية، چ ۴.
- مؤدب، سید رضا، (۱۳۸۰ش)، روش‌های تفسیر قرآن، قم: اشراق.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول)، (۱۳۷۹ش)، تحقیق: عبدالهادی مسعودی، الدرة الباهرة من الأصداف الطاهرة، قم: انتشارات زائر، چ ۱.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: حلیمی جلودار حبیب الله، شخصیت شناسی تفسیری جعفر مرتضی عاملی (ویژگی، مبانی و روش)، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۲۱۹-۲۰۵.

